



گزارش «ایران» از بررسی مشکلات آموزشگاه‌های آزاد هنری

یادگیری موسیقی با جیب خالی خیال باطل است

طی یک دهه اخیر آموزش موسیقی در جامعه و خانواده‌ها به یک هنر آموزشی لاکچری تبدیل شده است؛ هنری که به دلیل هزینه‌های بالای آموزش و تهیه ساز و تجهیزات، مشتاقان بسیاری را خانه‌نشین کرده و شوق آموختن را از آنها گرفته است. در مقابل، آموزشگاه‌داران و معلمان آموزشگاه‌ها هم به دلیل اجاره‌های گزاف، دستمزد بالای موزیسین های خوب و معتبر و مالیات‌های سنگین، چندان دل به کار نمی دهند و ترجیحشان براین است که با بهره بردن از معلمان درجه دو یا سه به کار خود ادامه دهند.



کلاس آموزش

آموزشگاه‌های موسیقی اشاره کرد و افزود: «برخی از آموزشگاه‌های موسیقی با توجه به شهریه‌های بالا از استادان بی‌تجربه استفاده می‌کنند اما دراین آموزشگاه با وجود حضور استادان درجه یک، شهریه‌ها طبق تعرفه دفتر برنامه‌ریزی و آموزش هنری است، اگرچه این میزان پرداختی‌ها کفاف زندگی استادان را نمی‌دهد اما برای خانواده‌ها هم مشکل است.» من براین نظر هر چقدر تعداد آموزشگاه‌های موسیقی بیشتر باشد کمک به فرهنگ موسیقی اصیل کشورمان خواهد بود. وقتی از آموزشگاه «چاووش» باتوق هنری ماست و با دوستان هنرمند در اینجا جمع می‌شویم و تلاشمان این است خود را می‌رود.»

او در پایان صحبت‌هایش به کارت صلاحیت تدریس در آموزشگاه‌های موسیقی اشاره کرد و گفت: «بند از اعضای هیأت مدیره خانه موسیقی هستم و درحال حاضر برای تدریس موسیقی آزمون برگزار می‌کنیم و کارت صلاحیت صادر می‌شود.»

آینده میهم فارغ التحصیلان مراکز آموزشی رضا مهدوی
باسابقه موسیقی بعد از انقلاب است و در کنار تدریس دانشگاهی، ازسال ۱۳۷۴ تا به اکنون به تدریس موسیقی در آموزشگاهی که حدود ۴۵ سال پیش تأسیس شده مشغول است، این نوازنده درباره شرایط حال

حاضرآموزشگاه‌های موسیقی بیان کرد: «اگرخواهیم به این‌موضوع نگاه نسبی داشته باشیم باید بگوییم اوضاع خوبی نیست؛ بویژه برای آنهایی که مالک آموزشگاه نیستند و مستاجرند، شرایط بسیار سخت می‌گذرد. به طور کلی درآمدزایی درآموزشگاه‌های موسیقی به بیگاری و صرف هزینه و وقت گذرانی تبدیل شده و اگرعصر عشق و علاقه را ازآن جدا کنیم چیزی از آن باقی نمی‌ماند. نکته دیگراینکه فارغ‌التحصیلان موسیقی هنرستان‌ها و دانشگاه‌ها وآموزشکده‌های خصوصی و نیمه دولتی، حقیقتاً کار و جایی به غیاز درس دادن ندارند و با آینده مبهم این مسیر را ادامه می‌دهند.» این موسیقیدان درباره گرایش هنرجویان موسیقی به موسیقی‌های روز دنیا اظهار کرد: «ریشهشتر جوامع به واسطه ساده‌انگاری و فهم و درک زودرس موسیقی مردم‌وار یا اصطلاحاً پاپیولار، گرایش بیشتر به سمت موسیقی‌های ساده پسند بوده و حتی درگونه‌های مختلف موسیقی هم مشاهده می‌شود. ولی این موضوع خللی در تقاضای حضور در کلاس‌های درسی زیر شاخه‌های موسیقی ملی ایرانی و موسیقی کلاسیک اروپایی ایجاد نکرده است. حتی بسیاری از خانواده‌ها علاقه‌مندند فرزندانشان یا حتی خودشان با هنرهای ریشه‌دار و اصیل آشنایی پیدا کنند.»

این مدرس موسیقی به خروجی آموزشگاه‌های موسیقی درجامعه نسبت به دانشگاه‌ها اشاره کرد و گفت: «از گذشته‌ها تا به اکنون

به دلایل ععیده، خروجی‌های برخی آموزشگاه‌ها که از نخبگان و مدرسان شناخته شده ویا دانش و تجربه کافی هستند، پربارتر از خروجی‌های محیط‌های رسمی هستند و دانشگاه‌ها بوده است. البته به عقیده من طبق بررسی‌ای یکصد ساله اخیر، هنرمندانی که خارج از روال و روش رسمی هنرستانی و دانشگاهی موسیقی می‌آموزند، موفق‌ترند چرا که درک و دریافت همه جانبه موسیقی نسبت به جامعه را با ذهن بازتر و فلسفه ژرف‌تری دریافت می‌کنند و به همین نسبت بازخورد بهتری به جامعه ارائه می‌دهند؛ بطورمثال بزرگانی چون همایون خرم، علی تجویدی، داریوش صفوت، لطف اله مجد، نورعلی برومند، پرویز باحقی، رضا ورزنده، حسین ملک، حبیب سماعی، جلیل شهناز و بسیاری دیگر. لازم به ذکر است موسیقی در وهله اول باید در وجود فرد باشد و سپس در محیطی آزاد و پرنشاط پرورش پیداکنند. نکته دیگر آنکه هنرستان‌ها و دانشگاه‌های ما با استانداردهای آموزشی موفق در دنیا فاصله دارند.»

این نوازنده و مدرس سنتور درادامه صحبت‌هایش به شیوه تدریس این دو مرکز آموزشی اشاره کرد و افزود: «به‌طورکلی وحتى جزئی شیوه آموزشی دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها هیچ ربط منطقی با یکدیگر ندارند و هر یک سازخود را می‌زنند و دراین زمینه وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هر یک سیاستگذاری‌های جداگانه دارند.»

او دریابان درباره هزینه ثبت‌نام آموزشگاه‌های موسیقی و مالیات‌هایی که افزوده شده گفت: «دریافت شهریه در بسیاری از آموزشگاه‌ها کفاف اجاره، منشی، آب، برق، تلفن، گاز و زندگانی مدرسان را نمی‌دهد. همه مردم هم توان بالتری برای پرداخت‌ها ندارند. درباره موضوع مالیات هم متأسفانه در دولت آقای روحانی قانون معافیت‌های مالیاتی آموزشگاه‌های هنری برداشته شد و بسیاری از آموزشگاه‌ها در کشور تعطیل شدند و بازجای تأسف است که بگوییم مسئولان بالادستی فرهنگ و هنر و اقتصاد و دارایی براین نظردند که همگان شرایط چند نفر چهره‌های معروف و اصطلاحاً ستاره‌ها را دارند و کنسرت‌های پردرآمد و کلاس‌های ویژه برگزارمی‌کنند و به همین سبب باید مالیات پرداخت کنند! اگرچه اخیراً اداره فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش که سال‌ها پیش، بنده برنامه‌های درسی آن را نوشتم، در حال مجوز دادن به آموزشکده‌های هنری از جمله موسیقی است که باید ببینیم در آینده چه خروجی‌هایی خواهد داشت.»

خروجی مراکز آموزشی در جامعه انگشت شمار شده است
رضا شایسته که از نوازندگان شناخته شده ساز ویولن است می‌گوید، آموزشگاه‌های موسیقی در حال حاضر وضعیت خوبی ندارند و از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه به بعد شرایط بدتر هم شده است و متقاضیان کمتر شده‌اند. موضوع دیگرمشکلات اقتصادی مردم است که با توجه به شرایط اکنون جامعه استقبال کمتری از سوی خانواده‌ها صورت می‌گیرد و جای تأسف است که بگویم به دلیل اجاره‌های بالا اغلب آموزشگاه‌هایی که مستأجرند تعطیل شده‌اند و تعدادی دیگر از آموزشگاه‌ها برای آنکه به حیات خود ادامه دهند مجبورند از معلمان درجه دو یا سه استفاده کنند تا درصد کمتری به آنها پرداخت شود این موضوع به آموزش موسیقی بسیار لطمه وارد کرده است. در همین یک دهه اخیر به‌ندرت می‌بینیم یک شاگرد عادی به جامعه موسیقی معرفی شود و هنرمند قابل در نسل امروز بسیار انگشت شمار است. معلمان ما به‌روز نیستند و این موضوع هم در سطح آموزشی اثرگذار بوده است. البته این موضوع هم بی‌تأثیر از مسأله مالی نبوده است.

این نوازنده بیان کرد: «شهریه آموزشگاه‌ها هر سال تغییر می‌کند اما به همین نسبت هم تعداد هنرجویان کمتر می‌شود و توانایی پرداخت ندارند. نکته دیگر مالیات‌های سنگینی است که باید پرداخت شود آن هم با درآمد‌های اندک آموزشگاه‌های موسیقی. ازسوی دیگران طور که باید نظارتی بر آموزشگاه‌ها صورت نمی‌گیرد.»

فرهنگی

مدیرکل دفتر برنامه ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی:

یک ششم آموزشگاه های هنری کشور در تهران متمرکزند



مدیرکل دفتربرنامه‌ریزی و آموزش‌های هنری وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی درگفت‌وگوبا «ایران» درباره مکانیسم تعیین شهریه آموزشگاه‌های هنری بیان کرد: «تمامی آموزشگاه‌های هنری در رشته‌های مختلف زیرنظر دفتر برنامه‌ریزی و آموزش‌های هنری هستند. بطور کلی ۶۲۰۶آموزشگاه هنری در کشور وجود دارد که از این تعداد ۱۰۷۲آموزشگاه در تهران فعالیت می‌کند و دریابان هرسال ازسوی دفتربرنامه‌ریزی و آموزش‌های هنری مکاتباتی با ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها انجام می‌گیرد و براساس شاخص‌های تعریف شده مانند درجه آموزشگاه، وضعیت اقتصادی استان، بحث استان‌های مرزی و مناطق کم برخوردار در خصوص نرخ آموزش‌ها پیشنهاداتی ازسوی ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها در مشورت با انجمن‌ها و فعالان مرتبط با حوزه آموزش با دفتر مطرح می‌شود و ما براساس همان پیشنهاداتی که از سوی استان‌ها مطرح می‌شود، درهمان ابتدای سال نرخی را برای شهریه آموزشگاه‌ها در رشته‌های مختلف هنری چون موسیقی، تجسمی، خوشنویسی و هنرهای سنتی تعیین می‌کنیم و به همه ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها ابلاغ می‌شود و ادارت کل استان‌ها آن را به آموزشگاه‌های آزاد هنری ابلاغ می‌کنند وبراین اساس برمیزان شهریه‌هایی که آموزشگاه‌ها از متقاضیان و هنرجویان دریافت می‌کنند نظارت می‌شود.»

محمدحسین اسماعیلی درباره هزینه آموزشگاه‌هایی که زیر نظر استادان شناخته شده فعالیت می‌کنند گفت: «برای همه آموزشگاه‌های هنری یک کف و سقف شهریه در نظر گرفته می‌شود و اگر از میزان تعرفه‌ای که برای آنها تعریف شده عدول کنند، تخلف محسوب می‌شود. نکته دیگر اینکه آموزشگاه‌های هنری موظفند شهریه مصوب را در محل آموزشگاه نصب کنند و اگر برخلاف آن شهریه مصوب عمل شود، ازطریق اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بررسی شده و اقدامات قانونی در مورد آن تخلف صورت می‌گیرد.»



او درباره تعامل دفتر برنامه‌ریزی و آموزش‌های هنری با خانه موسیقی درخصوص کارت صلاحیت تدریس اظهار کرد: «طی تقاهمهت‌امای که بین معاونت امورهنری و خانه موسیقی منعقد شده، افرادی که شرایط تدریس درآموزشگاه‌های آزاد هنری را دارند باید از کارت صلاحیت تدریس برخوردار باشند. براین اساس برای ثبت‌نام متقاضیان سامانه‌ای از سوی دفتر برنامه‌ریزی آموزش هنری طراحی شده است که البته کارهای اولیه ابتدا در استان انجام می‌گیرد و بعد از آن به ستاد (دفتر برنامه‌ریزی و آموزش‌های هنری) ارجاع داده می‌شود. لازم به ذکر است در حوزه موسیقی موضوعاتی که در بحث آزمون و کارهای تخصصی باید انجام بگیرد به خانه موسیقی واگذار شده و در حوزه تجسمی، خوشنویسی و رشته‌های دیگر مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر این مسئولیت را عهده دار است و آزمون‌های تخصصی برگزار می‌کنند و درنهایت برگزیدگان به دفتر برنامه‌ریزی و آموزش معرفی می‌شوند و کارت صلاحیت تدریس برای آنها صادر می‌شود.»

اسماعیلی در ادامه صحبت هایش افزود: «کارت‌های صادر شده دائمی است. البته در سامانه اخیرى که راه‌اندازی شده، کارت‌های صلاحیت تدریس براساس میزان دانش و تخصص فرد متقاضی درجه‌بندی می‌شود و در سه درجه یک، دو و سه است اما اگر سطح دانش و تخصص فرد متقاضی در سال‌های بعد ارتقا پیدا کند با درخواست او درجه‌بندی کارت هم ارتقا می‌یابد.»

مدیرکل دفتربرنامه‌ریزی و آموزش‌های هنری به موضوع مالیات‌ها اشاره کرد که در این چند هفته اخیر بسیار قابل بحث بوده و در این باره گفت: «طبق بند «ل» ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم، آموزشگاه‌های دارای مجوز از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا سال ۱۴۰۰ معاف از مالیات بودند اما از سال ۱۴۰۰ به بعد، سقف درآمدی معافیت تعیین شد به‌طور مثال در سال ۱۴۰۴، درآمد زیر ۷۶ میلیون تومان معاف از مالیات است اما از این سقف درآمدی به بالا براساس ضرایبی که از سوی سازمان امور مالیاتی مشخص شده و اظهار نامه‌های مالیاتی که ارائه شده، مالیات پرداخت کنند. البته برخی آموزشگاه‌ها به دلیل عدم آشنایی با تکمیل اظهارنامه مالیاتی با مالیات‌های سنگین مواجه شده‌اند که قابل اعتراض و اصلاح است.»

اسماعیلی در ادامه صحبت هایش بیان کرد: «در سال جاری کارگروهی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد و براساس آن قرار است با همکاری همه بخش‌های ستادی وزارت فرهنگ، سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور مالیاتی درمورد مراکز و مؤسسات و آموزشگاه‌های هنری به یک اشتراک نظر ر دست پیدا کنیم. یعنی نه نراساس سلیقه بلکه براساس یک وحدت رویه توسط سازمان امور مالیاتی در نحوه احتساب مالیات آموزشگاه‌ها با این موضوع برخورد شود.»



برش

و یا شجاعت و درایت رزمندگان در نبردهای مو شک ی آنکه به نیاز به شعار باشد، انسان را به تأمل وامی‌دارد. چنین تأثیری را نه از طریق تیتربهای خبری، که فقط با زبان سینما می‌توان منتقل کرد. پرداختن هنرمندانه و چندلایه به موضوعی چون جنگ اخیر، اگر با نگاه انسانی، پژوهش محور و دور از اغراق باشد، می‌تواند به جامعه کمک کند تا هوشیارتر و آماده‌تر با واقعیت‌های پیچیده آینده مواجه شود. سینما در اینجا نه تریبون برای سیاست، بلکه آینه‌ای برای جامعه است تا گذشته و آینده را در حال به تصویر کشد و مسیر آینده را روشن‌تر کند.

شاید امروز ساختن فیلم‌های بلند داستانی با موضوع یاد شده از منظر زمان، هزینه و کیفیت با دشواری‌هایی همراه باشد اما سینمای جوان ایران در قالب فیلم کوتاه، با صرف هزینه کمتر و داستان پردازی موجزتر می‌تواند در پرداخت به تأثیرات جامعه شناختی و روان شناختی جنگ کوتاه و بر قوه اخیر پیش قدم شود. اتفاقی که مشابهش به صورت محدود در دوران قریطینه کرونا رخ داد و به ساخت فیلم‌های کوتاه خوبی منجر شد.

ماجرای دیگری دارد. بخشی از رخدادها همچنان امنیتی و زیر دین است اما فیلم‌هایی با این محتوا بدون آنکه لزوماً جنگ طلبانه، تبلیغاتی و با مرتبط با اصل وقایع جنگی باشند، می‌توانند تجربه‌ای عینی و آموزنده برای نسل جدید فراهم کنند. این آثار، می‌توانند ذهن مخاطب را نسبت به تبعات تصمیمات سیاسی حساس‌تر کنند و گاه همچون وقایعی مانند حمله به میدان تجریش یا خالی کردن مطربانه مهدکودکی در تهران قلب‌ها را به درد آورند. از مهم‌ترین کارکردهای سینما، ثبت تاریخ از چشم مردم است. در آینده اگر جنگی رخ دهد یا کشوری تنها در آستانه آن باشد، روایت‌هایی که امروز نوشته و ساخته می‌شوند، می‌توانند اسناد تاریخی مهمی از حال‌وهوای جامعه در پیش بحران‌های امروز شکل حافظه تاریخی را در جنگ روایت‌ها برای مردم و مسئولان زنده نگه می‌دارند. شاید بتوان گفت مهم‌ترین نقش این گونه آثار، نه ترسیم دشمنی، بلکه یادآوری رنج انسانی باشد؛ رنجی که می‌تواند به همدلی و گفت‌مان صلح منجر شود. تماشای رنج مادری ایرانی که فرزندش را از دست می‌دهد

به مخاطب کمک کنند تا فراتر از مرزها، رنج مشترک انسان‌ها را درک کند؛ چه در تهران، چه در غزه و هر جای دیگر جهان. نکته دیگری که بحث ساخت فیلم‌های کوتاه و بلند داستانی را بویژه برای جامعه امروز ایران که جنگی عجیب و نور ا شاهد بود، ضروری جلوه می‌دهد این است، که تصویرسازی از جنگ می‌تواند به انسان‌های گرفتار در آن کمک کند تا راه‌های مناسبی برای برون رفت از بحران‌های متأثر از جنگ پیدا کنند. بخش عمده‌ای از نسل امروز ایران، نه تنها تجربه‌ای از جنگ ندارد، بلکه تصویر درستی از پیامدهای واقعی آن نیز در ذهن ندارد. برخلاف جنگ تحمیلی ایران و عراق که هشت سال طول کشید و منجر به راه افتادن ژانی به نام فیلم‌های «دفاع مقدس» شد، جنگ‌های هوایی امروز شکل دیگری دارند. همچنان امکان به تصویر کشیدن جلوه‌های مقاومت مردم در دوران دفاع مقدس و نمایش عملیات‌های مهم آن دوران در سینمای امروز وجود دارد. فیلم‌های مهمی از جشنواره فجر سال گذشته نیز شامل چنین موضوعاتی بود اما آنچه در قالب جنگ تحمیلی دوازده روزه رخ داد،

مردم، بیش از هر زمان دیگر، به روایت‌هایی نیاز دارند تا فراتر از تحلیل‌های سیاسی و رسانه‌ای، تجربه انسانی جنگ را بازتاب دهد. سینما، با قدرت روایتگری منحصربه‌فرد خود، می‌تواند این شکاف را پر کند.

ساختن فیلم درباره جنگی که هنوز رخ نداده، جسورانه است اما دقیقاً همین پیش‌نگری هنرمندانه می‌تواند جامعه را برای مواجهه آگاهانه‌تر با پیامدهای احتمالی آن آماده کند. فیلمانه‌هایی که با تحقیق و تحلیل دقیق نوشته می‌شوند، می‌توانند آینده‌ای ممکن را به تصویر کشند که اگر درباره آن گفت‌وگو نشود، ممکن است هزینه‌های انسانی، اجتماعی و اقتصادی جبران‌ناپذیری به‌جا بگذارد. این یک ضرورت بی‌حد و مرز و جلوه‌ای از تمدن بشری است که به انسان مدرن امروز راه می‌دهد تا خود و جامعه را از رگزد دشمنی و تجاوز دور کند. روایت رسمی از درگیری‌های سیاسی و نظامی، اغلب دوگانه‌ای ساده از «ما» و «آنها» می‌سازد اما سینما قادر است این دوگانه‌سازی را به چالش بکشد و واقعیت را از چشم انسان‌های عادی بازگو کند. فیلم‌های چندسویه می‌توانند

فیلمنامه‌نویسی و فیلم‌سازی در مواجهه با بحران‌هایی مانند جنگ از چه اهمیتی برخوردار است؟

سینما؛ آینه حیات اجتماعی در متن بحران



اصلی چنین رویکردی از سوی سیاست‌گذاران فرهنگی کشور باید با توجه به این مهم باشد که

فراوانی دارد که با داشتن حداقلی از امکانات می‌توانند پروژه‌های خود را به ثمر بنشانند. لزوم

مانند ایران که از فعال‌ترین و معتبرترین سینماهای دنیااست و کارگردان‌های جوان و باتجربه

یادداشت

جواد صفوی

منتقد سینما

در روزگار پرتنش خاورمیانه و تحولاتی که گاه این مرز و بوم را نیز متأثر می‌کند، نقش سینما خواه ناخواه فراتر از مرز سرگرمی است و به دلیل ماهیت ارتباط جمعی و تأثیرات فکری و روحی، به ابزاری برای تأمل، آگاهی و حتی مداخله اجتماعی نیز بدل می‌شود. پرداختن به موضوعی همچون جنگ اخیر با اسرائیل نیز از دسته آن سوزنه‌هایی است که حتی می‌شود گفت ضرورت دارد به شکل ویژه به آن توجه شود. ساخت فیلم‌هایی در قالب کوتاه و بلند داستانی که بتواند بازگوکننده و منعکس‌کننده زوایای مختلف انسانی چنین رخدادی باشد، نه صرفاً یک انتخاب هنری، بلکه اقدامی هوشمندانه و ضروری است، آن هم در کشوری